

جهت خرید فایل word به سایت www.kandooon.com مراجعه کنید
یا با شماره های ۰۹۳۶۶۰۲۷۴۱۷ و ۰۹۳۶۶۴۰۶۸۵۷ و ۰۶۶۴۱۲۶۰-۰۵۱۱ تماس حاصل نمایید

سید قطب؛ قدرت اندیشه

.....

دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه علامه طباطبائی (ره)

۱- سید قطب؛ نویسنده و شهید

بصام تیبی^۱ در کتاب «چالش بنیادگرایی» (The challenge of Fundamentalism) سید قطب را بعنوان یکی از دو «پدر روشنفکر» (Intellectual fathers) جنبش بنیادگرایی اسلامی مدرن معرفی می کند. (۱) عرب شناس فرانسوی ژیل کوپل (Gilles Kepel) نیز سید قطب را بزرگترین ایدئولوگ تأثیر گذار بر روی جنبش اسلامگرایی معاصر قلمداد می کند، (۲) و این در حالی است که خاورشناس معروف جان اسپوزیتو (John Esposito) وی را معمار اسلام رادیکال معرفی می کند. به نظر اسپوزیتو، سید قطب پدر جنبشهای افراطی مسلمانان در سراسر جهان است. در بسیاری از موارد، حرکت او از یک روشنفکر تحصیل کرده، کارمند دولتی و ستایشگر غرب به سوی کسی که دولتهای آمریکا و مصر را محکوم می کند و از مشروعیت جهاد نظامی دفاع می کند، تأثیر زیادی بر نظامی گریها، از ترورکنندههای انورسادات تا پیروان اسامه بن لادن و القاعده، داشته است. (۳) مروری بر ادبیات به جا مانده از اسلام رادیکال از دهه ۱۹۸۰ به بعد نشان می دهد که سید قطب تأثیر غیر قابل انکاری بر روی این جنبشها داشته است و یا حداقل یکی از دو شخصیت مهم در این زمینه بوده است؛ نفر دوم نویسنده پاکستانی ابوالاعلی مودودی (۵) می باشد.

سید قطب در سپتامبر ۱۹۰۶ در روستایی از شهر اسیوط مصر به دنیا آمد. پس از طی دوران تحصیل ابتدائی در زادگاهش، در سال ۱۹۲۱ به قاهره فرستاده شد. در

¹- Bassam Tibi

سال ۱۹۲۵ در دانشکده تربیت معلم ثبت نام کرده و پس از فارغ التحصیلی در سال ۱۹۲۸ در کلاسهای دارالعلوم حضور می یابد و در سال ۱۹۳۳ از آنجا فارغ التحصیل می شود. قطب برای شانزده سال به استخدام وزارت معارف درآمد و به تدریس مشغول می شود و در سال ۱۹۴۸ به دلیل مخالفتهایی که با ملک فاروق می کند وی را به طور غیر رسمی برای اقامتی نامحدود به ایالات متحده می فرستند. ظاهراً هدف از این نصر این بوده است که وی به مطالعه سیستم آموزشی آمریکا پردازد. تجربه نصر به آمریکا به عوض اینکه او را شیفته آمریکا کند، «به اسلام و سپس به اخوان المسلمین نزدیکتر کرد.» پس از بازگشت از ایالات متحده در سال ۱۹۵۱ عضو شورای مرکزی اخوان المسلمین (مکتب الارشاد) شد. (۶) در این مدت و پیش از انقلاب ۱۹۵۲، وی جلسات منظمی با ناصر داشته است.

سازمان افسران آزاد قبل از انقلاب به تعلیم و مسلح کردن اعضای اخوان المسلمین اقدام می کرد. سید قطب نیز به مدت شش ماه به سازمان مشاوره می داد و در سیاستگذاری آنها برای کشور مشارکت می نمود. بعد از اینکه آنها در پذیرفتن عقاید قطب راجع به تأسیس دولتی اسلامی و دادن رهبری آن به کمیته مسلمانان متشکل از اعضای اخوان المسلمین موافقت نکردند، وی نیز سازمان را ترک کرد. (۷) در درگیری بعدی که بین اخوان المسلمین و افسران آزاد رخ داد، سید قطب جانب هضیبی مرشد اعظم اخوان المسلمین را گرفت و در نتیجه به مدت سه ماه در اوایل سال ۱۹۵۴ به زندان افتاد در ۲۶ اکتبر همان سال یکی از اعضای اخوان سعی کرد ناصر را ترور کند.

این عمل بهانه‌ای شد در دست ناصر تا بسیاری از اعضای اخوان از جمله سید قطب را دستگیر کند. در ۲۵ ژوئیه ۱۹۵۵ وی به بیست و پنج سال زندان با اعمال شاقه محکوم شد. اما در سال ۱۹۶۴ و به درخواست عبدالسلام عارف، رئیس جمهور وقت عراق، آزاد شد و «به فردی تبدیل شد که بقایای طرفداران و حامیان اخوان در اطرافش گرد آمدند.» با اینحال مدت کوتاهی بعد در ۱۳ اوت ۱۹۶۵ ناصر اعلام کرد که توطئه جدید اخوان المسلمین کشف شده است، در نتیجه سید قطب به عنوان رهبر اصلی آن دوباره دستگیر شد و پس از یک محاکمه کوتاه به همراه دو تن از همکارانش در سپیده دم ۲۹ اوت ۱۹۶۶ به دار آویخته شدند. (۸)

سید قطب به همراه مودودی و [آیت‌الله] خمینی [ره] سه تن از مهمترین متفکران سیاسی اسلام در چند دهه اخیر به شمار می روند. مودودی و سید قطب تفکرات نزدیک به هم داشته و مسلمانان سنی را تحت تأثیر قرار دادند، اما [آیت‌الله] خمینی [ره] در بین شیعیان نفوذ داشت. با اینحال، هر سه اسلام را به جنبشی سیاسی تبدیل کردند و خواهان استقرار یک دولت اسلامی بودند. در حالی که هر سه نفر با ناسیونالیسم سکولار دهه ۱۹۶۰ مخالف بودند، اسلام سنتی را نیز که مبارزه سیاسی را در رتبه دوم قرار می داد، رد می کردند. روش این سه نفر تفاوت‌های زیادی با هم داشت؛ قطب روحانیون و طبقه متوسط را با هم متحد کرد. مودودی خواستار برپایی جمهوری اسلامی بود ولی ایده‌هایش از سوی توده‌ها حمایت نشد. در این میان تنها

[آیت‌الله] خمینی [ره] بود که توانست یک اتحاد کارآمد بین روشنفکران رادیکال،

توده‌های مردم و روحانیون بوجود آورد. (۹)

ایدئولوژی سید قطب از متفکران مختلفی تأثیر پذیرفته است. اولین شخص ابن

تیمیه می‌باشد. وی نیز همانند ابن تیمیه جوامع را به دو گروه تقسیم می‌کند که در یک

طرف نیروهای خوب قرار دارند و در طرف دیگر نیروهای بد (شیطانی)، حد

میانه‌روی وجود ندارد. (۱۰) در واقع اهمیت سید قطب در این است که استدالات

استفاده شده توسط ابن تیمیه بر علیه حکمرانان کافر را به گونه‌ای تفسیر کرد که بتوان

آنها را به مشکلات اسلام در دنیای مدرن تعمیم داد. (۱۱) از متفکران دوره معاصر نیز

حسن البناء، مؤسس اخوان المسلمین مصر و ابوالاعلی مودودی، بنیانگذار جماعت

اسلامی پاکستان، تأثیر زیادی بر روی او داشته اند به تبعیت از البناء و مودودی، قطب

نیز غرب را بعنوان دشمن تاریخی اسلام و مسلمانان و تحت عناوینی از قبیل صلیبیون

و مستعمره گرایان تفسیر می‌کرد. (۱۲)

مودودی معتقد بود که اسلامگرایی باید از بالا باشد. البته این امر باید در دولتی

محقق شود که در آن حاکمیت به نام الله بوده و شریعت اسلام در آن جاری باشد. به

نظر او سیاست جزئی از اسلام می‌باشد و در دولت اسلامی، تنها فعالیت سیاسی

مسلمانان است که می‌تواند مشکلات آنها را حل کند، به زعم وی پنج رکن اصلی

اسلام (ایمان، نماز، روزه، زیارت و صدقه) مقدمه‌ای هستند برای جهاد؛ نبرد بر علیه

کسانی از آفریدگان خدا که حاکمیت او را از بین برده‌اند. برای به اجرا گذاشتن جهاد،

مودودی در سال ۱۹۴۱ جماعت اسلامی پاکستان را تأسیس کرد. وی این جماعت را همانند مدل لنینیستی، پیش آهنگ (Vanguard) انقلاب اسلامی تصور می کرد. بدین منظور وی از پیش آهنگی در زمان پیامبر یاد می کند که با کفار مکه مبارزه کرده و بعد از هجرت هم، دولت اسلامی را در مدینه بر پا کرده‌اند. با قلم مودودی، مذهب به سمت یک ایدئولوژی برای مبارزه سیاسی تغییر جهت داد. وی اولین متفکر مسلمان قرن بیستم بود که توانست بر روی پایه‌های اسلام تئوری سیاسی بسازد. (۱۳)

به دلیل اینکه نوشته های مودودی از انسجام کافی برخوردار بوده و تئوری جدیدی درباره امت اسلامی ارائه داد، تأثیر غیرقابل انکاری در دنیای اسلام و بویژه داشته دنیای عرب است. تأثیر او در مصر دو چندان بود؛ اول اینکه نوشته‌هایش توسط اخوان المسلمین به عربی ترجمه شد و دوم اینکه توسط رژیم ناصر ممنوع اعلام شد. (۱۴). در واقع سید قطب انتقال دهنده (Transmitter) عقاید مودودی می‌باشد. (۱۵)

از نظر این دو نفر اسلام در حال جنگ با امپریالیسم غربی می باشد. در نتیجه هدف نهایی مدرنیزاسیون (Modernization) چه سرمایه‌داری و چه کمونیسم، استثمار (Colonization) دنیای اسلام از جنبه‌های مختلف از جمله اخلاقی و فرهنگی می‌باشد. در این میان اسلام نیز باید به مقابله با غرب پردازد و ارزشهای غربی را انکار کند. (۱۶)

نوشته های قطب و مودودی ارزشهای ناسیونالیستها را رد کرده و اسلام را بعنوان روح فرهنگی، اجتماعی و سیاسی استاندارد در بین همه مسلمانان معرفی کرد.

اولین نبرد آنها در این جنگ فرهنگی (Cultural war)، تغییر دوباره گذشته بود. بعد از کسب استقلال، ناسیونالیستها به دنبال ارائه تاریخی بودند که در آن قبل از ناسیونالیستها هیچ چیزی وجود نداشته است و تاریخ آنها از نو شروع می‌شد. اما برای قطب و پیروانش، تاریخ بعد از استقلال کشورهای اسلامی هیچ ارزشی به ارث نگذاشته است. او این دولتها را با دولتهای قبل از اسلام یکی دانسته و آنها را جاهلی نامید. از نظر قطب مسلمانان دوره ناسیونالیستی آگاهی خیلی کمی نسبت به اسلام دارند؛ همانند عربهای کافر که در عصر جاهلیت بتهای سنگی را می‌پرستیدند، عربهای عصر حاضر نیز بتهایی از قبیل ملت (Nation)، حزب (Party)، سوسیالیسم (Socialism) و غیره را می‌پرستند. (۱۷)

۲- سید قطب؛ قدرت اندیشه

به طور کلی بر اساس سیر تاریخی، نوشته‌های سید قطب و یا حیات فکری وی به سه دوره تقسیم می‌شوند؛ دوره اول دهه ۱۹۳۰ است که وی منتقد ادبی می‌باشد. در نوشته‌های این دوره بسیاری از مباحثی را که هیچ ارتباطی با اسلام نداشته اند مطرح کرده است از جمله در جایی در ضرورت جدایی دین و هنر سخن رانده است. دوره دوم در اواخر دهه ۱۹۴۰ شروع می‌شود و تا ۱۹۶۴ ادامه پیدا می‌کند. در این دوره سید قطب نوشته‌های خود را در مورد ضرورت ایجاد یک جامعه بر اساس قوانین شریعت اسلامی انتشار داد. علی‌رغم اینکه وی بین سالهای ۶۴-۱۹۵۴ در زندان به سر می‌برد، اما به نوشتن خود ادامه می‌دهد. دوره سوم در سال ۱۹۶۴ و زمانی شروع شد که وی

ضرورت استفاده از زور در صورت لزوم و برای سرنگونی رژیمهای موجود را مورد تأکید قرار داد. قتل عام زندانیان اخوان المسلمین در سال ۱۹۷۵، این ایده را در او تقویت کرد که تنها با یک حرکت رادیکالی می‌توان سیستم قدیمی را از بین برد و سپس یک جامعه ایده‌آل بر اساس قوانین خداوندی ایجاد کرد. (۱۸) پژوهش حاضر بر روی دوره‌های دوم و سوم نوشته‌های قطب و تأثیر آنها بر روی اسلامگرهای معاصر متمرکز خواهد شد.

از نظر نگارنده اندیشه سید قطب در پاسخ به سه سؤال اصلی بوده است: ۱- وضعیت فعلی جهان و بویژه دنیای اسلام و علل آن چیست؟ ۲- وضعیت مطلوب کدام است و به چه سمتی باید رفت؟ ۳- راه حل مشکل در چیست؟ پاسخ به سه سؤال مذکور سه مفهوم جاهلیت، حاکمیت (عبودیت) و جماعت را تداعی می‌کند که در ادامه به آنها خواهیم پرداخت. (۱۹)

۱-۲- جاهلیت

واژه جاهلیت چهار بار در قرآن آمده است. (۲۰) بعد از صدر اسلام این واژه در نوشته‌های ابن تیمیه و محمد بن عبدالوهاب نیز آمده است. ابن تیمیه مسلمانان معاصر خود را جاهلی خواند و عبدالوهاب نیز اعتقاد داشت که وضعیت مسلمانان دنیا حتی آنهایی که در شبه جزیره عربستان به سر می‌برند، همانند وضعیت دوره جاهلی قبل از اسلام است. در اوایل قرن بیستم اصلاح طلب معاصر محمد عبده و رشید رضا یعنی منار (Manar)، ویژگیهای جوامع خود را با عصر جاهلیت مقایسه کرده و متذکر

شد که بعضی از جوامع اسلامی در عصر حاضر از نظر اخلاقی و مذهبی بیشتر از مردمان دوره جاهلیت، فاسد شده‌اند و آیات قرآنی مورد اشاره، بیشتر شامل حال آنها می‌شود. (۲۱)

با این همه شخصی که واژه جاهلیت را وارد دنیای مدرن کرد، کسی نبود جز مودودی و شاگردش ابوالحسن ندوی (۱۹۷۹-۱۹۰۳م). آنها جوامع غربی و کمونیست را جاهلی نامیدند اما همانند سید قطب هیچ گاه آن را به جوامع اسلامی تسری ندادند. از نظر مودودی دولتهایی در عصر جاهلیت به سر می‌برند که مخالف فرهنگ، اخلاق، روش و تفکر و رفتار اسلامی می‌باشند. ندوی نیز دوره روم و یونان باستان را با جوامع مدرن اروپایی یکسان دانسته و آنها را جاهلی خواند. در همان سال که سید قطب کتاب معروف خود «معالم فی الطریق» را چاپ کرد (۱۹۶۴)، برادرش محمد قطب نیز کتابی با عنوان «جاهلیت در قرن بیستم» (۲۲) نوشت و مدعی شد که همه جهان در عصر جاهلیت به سر می‌برند. بنابراین ریشه واژه جاهلیت به سید قطب بر نمی‌گردد، بلکه وی بیشتر از دیگران به جنبه‌های رادیکال آن پرداخت. (۲۳)

جامعه جاهلی از نظر سید قطب چه نوع جامعه‌ای است؟ وی در پاسخ به این

سؤال و در کتاب «معالم فی الطریق» (نشانه‌های راه) چنین پاسخ می‌دهد:

هر جامعه‌ای که اسلامی نباشد، جاهلی است؛ اگر بخواهیم تعریف دقیق‌تری ارائه دهیم، باید بگوئیم که جامعه جاهلی، جامعه‌ای است که در ایمان، عقاید و قوانین آن چیزی به غیر خدا پریش می‌شود. طبق این تعریف همه جوامعی که در حال حاضر وجود دارند، در قلمرو جاهلیت قرار می‌گیرند. (۲۴)

در ادامه قطب همه جوامع موجود را بررسی می کند. از نظر وی در رأس جوامع جاهلی، جامعه کمونیستی قرار داد؛ اول اینکه وجود خداوند را انکار می کند و دوم اینکه بجای خداوند حرب در آن مورد پرستش قرار می گیرد. ایدئولوژی و سیستم کمونیستی، ارزش انسان را تا حد یک حیوان و حتی ماشین پائین می آورد. در مرحله بعدی جوامع بت پرستی از قبیل هندوستان، ژاپن، فلیپین و آفریقا قرار دارند که به خدایگان دیگری در کنار و یا بدون الله اعتقاد دارند. همه جوامع یهودی و مسیحی نیز جز و جوامع جاهلی هستند. چرا که آنها از اعتقادات اولیه خود دور شده اند و از قوانین ساخته و دست بشری اطاعت می کنند. بالاخره تمام جوامعی نیز که خود را اسلامی می خوانند، در جاهلیت به سر می برند. در جوامع مسلمانان، عده ای به سکولاریسم اعتقاد داشته و رابطه خود با دین را انکار می کنند؛ عده ای دیگر نیز تنها در زبان به دین اقرار می کند ولی در زندگی اجتماعی به طور کامل آنرا طرد می کنند؛ عده ای نیز قوانین دلخواه خود را می سازند و آنرا به اسم «شریعت خداوند» ارائه می دهند. همه این جوامع در یک چیز مشترک اند و آن اینکه تنها از خداوند اطاعت نمی کنند. (۲۵)

سید قطب با توجه به آیه پنجاه سوره مائده در کتاب «سایه های قرآن» جاهلیت را چنین تعریف می کند:

همانطور که خداوند در این آیه شرح می دهد، جاهلیت حکومت انسان بر انسان است. در این حکومت عده ای بنده دیگران می شوند و بدین ترتیب بر علیه خواسته خداوند شورش می کنند و الوهیت خداوند را مورد انکار قرار داده و

آنها به انسان واگذار می‌کنند. جاهلیت یک دوره [خاص] از زمان نیست بلکه به شرایطی اطلاق می‌شود که دیروز وجود داشته، امروز و فردا نیز وجود خواهد داشت. بشریت در هر زمان و مکانی تحت حاکمیت خداوند قرار دارد و بر اساس شریعت او زندگی می‌کند. اگر از این شرایط خارج شود و تحت حکومت قوانین ساخته دست بشری قرار گیرد، از راه منحرف شده و در جاهلیت قرار می‌گیرد. کسانی که حکومت خداوند را رد می‌کنند حکومت جاهلیت را قبول دارند و کسانی که شریعت خداوند را قبول ندارند، شریعت جاهلی را قبول داشته و در جاهلیت زندگی می‌کنند. (۲۶)

به نظر سید قطب در سایر ملکه‌ها و مرامها به غیر از اسلام «مردم خدایان متعددی را عبادت می‌کنند؛ همه آنها را لایق پرستش می‌دانند و در برابر همه کرنش و تعظیم می‌کنند و با همه حق بندگی می‌گذارند... این وضع اجتماعی که مبتنی بر پرستش بندگان است در هر زمان و مکان و محیط و با هر شکل و لباسی که ظاهر می‌شود، در منطق اسلام نظام جاهلیت می‌باشد و منفور و مطرود است». (۲۷) بنابراین، «معیار ضروری و کافی تشخیص اسلامی بودن یا جاهلی بودن جامعه‌ای، در نوع عبادت و حاکمیتی نهفته است که در جامعه اعمال می‌شود. در جامعه اسلامی تنها خداوند مورد ستایش قرار می‌گیرد و حاکمیت نیز در اختیار اوست. اما در جامعه جاهلی فرد یا چیز دیگری به جز خدای یکتا مورد پرستش قرار گرفته و حاکمیت در دست او قرار می‌گیرد». (۲۸)

سید قطب در کتاب «معالم فی الطریق» و در بخشی به نام «تمدن واقعی اسلام است»، نظرات خود را در مورد جوامعی که خود را مسلمان می‌خوانند و در واقع جاهلی هستند، چنین بیان می‌کند:

از نظر اسلام، تنها دو نوع جامعه وجود دارد: جامعه اسلامی و جامعه جاهلی. جامعه اسلامی جامعه‌ای است که اسلام در آن به کار گرفته می‌شود. اسلام یعنی ایمان، ستایش خداوند، قانونگذاری، سازمان اجتماعی (تئوری) خلقت و (شیوه) رفتار. جامعه جاهلی نیز جامعه‌ای است که اسلام در آن به کار نمی‌رود. جامعه جاهلی نه بر اساس ایمان استوار است، نه بر اساس جهان‌بینی اسلامی، نه ارزشها، نه مفهوم تساوی حقوقی، نه خلقت و نه شیوه رفتاری آن... بنابراین جامعه‌ای که قانونش بر اساس قانون الهی (شریعت الله) استوار نیست، نمی‌تواند جامعه اسلامی باشد. هر چند که افراد آن جامعه ادعای مسلمانی داشته باشند و حتی نماز بخوانند، روزه بگیرند و به زیارت حج بروند. جامعه‌ای که یک اسلام ساخته و پرداخته، به جای اسلامی که خداوند وضع کرده و توسط پیامبرش تشریح شده، خلق کند و بطور مثال ادعای «اسلام روشنفکرانه» بنماید، نمی‌تواند اسلامی باشد... جامعه جاهلی می‌تواند چهره‌های گوناگون به خود بگیرد: نفی وجود خدا و تبیین تاریخ از طریق ماتریالیسم و تضاد، به عبارت دیگر اجرای سیستم معروف به «سوسیالیسم علمی». به رسمیت شناختن و قبول وجود خداوند، و در عین حال محدود دانستن قلمرو قدرتش به آسمانها و محروم کردن او از امور این جهانی. چنین جامعه‌ای وجود خود را بر اساس قانون الهی و ارزشهای جاودانه‌ای که او اساس و پایه آن را وضع کرده، قرار نداده است. اگر چه به مردم اجازه می‌دهد در کتیبه‌ها، کلیساها و مساجد به عبادت و ستایش خدا پردازند، اما

نمی‌گذارند تقاضا کنند که قانون الهی بر آنها حاکم باشد. بنابراین جامعه مذکور یا صلاحیت الهی خداوند بر زمین را انکار می‌کند و یا آنرا بی‌تأثیر می‌گرداند. . .

این جامعه نیز به این نسبت بک جامعه جاهلی است. (۲۹)

به همین دلیل است که سید قطب جاهلیت قرن بیستم را وخیم‌ترین نوع جاهلیتی می‌داند که در تاریخ بشریت بر روی زمین ظاهر شده است. به نظر وی تلاش‌های پیامبر برای از بین بردن دشمنانش آسانتر از تلاش‌هایی است که باید برای پایان دادن به جاهلت در عصر حاضر، صرف شود. وی دلیل این امر را در دشمنی دوگانه‌ای می‌داند که مؤمنان باید با آن مبارزه کند؛ دشمن خارجی (عمدتاً فرهنگ غربی) و دشمن داخلی در میان دنیای اسلام. (۳۰)

با توجه به تئوری سید قطب راجع به جاهلیت، می‌توان سه نکته را از آن اخذ کرد؛ اولاً جاهلیت عبارتست از رد حاکمیت خداوند بخاطر حاکمیت بشر؛ ثانیاً جاهلیت به دوره خاصی مربوط نمی‌شود و به شرایط اجتماعی و روحی جامعه مربوط می‌شود که در هر زمانی ممکن است وجود داشته باشد. این واژه به دلالت داده است می‌کند که بطور متناوب در تاریخ تکرار شده است؛ ثالثاً وی بین اسلام و جاهلیت مقایسه خشکی (Stark contrast) انجام می‌دهد. از نظر وی همه جوامع در جاهلیت به سر می‌برند و هر جامعه‌ای غیر از جامعه اسلامی، جاهلی می‌باشد. (۳۱)

حال که تئوری جاهلیت سید قطب را بررسی کردیم، بهتر است که به دلایل بوجود آمدن چنین وضعیتی نیز بپردازیم. به عبارت دیگر، از نظر سید قطب چه عواملی باعث بوجود آمدن وضعیت فعلی تمدن بشری و عقب ماندگی جهان اسلام

شده است؟ وی عوامل بوجود آمدن وضعیت فعلی تمدن بشری را که انسانیت را به

فنا و نابودی کشانده است، در چهار مورد خلاصه می‌کند: (۳۲)

۱- ابی اطلاعی از حال انسان؛ از نظر قطب با وجودی که انسانها از سایر علوم
معلومات خوبی دارند، اما به دلیل عدم شناخت انسان، با ویژگی‌ها و خصوصیات
انسانی حذف آشنایی ندارند، در نتیجه در برنامه‌ریزی برای انسان نیز با مشکل مواجه
می‌شوند.

۲- آشفتگی و سردرگمی انسانها؛ انسانها علی‌رغم اینکه قادر نیستند برنامه‌ای برای
خود طرح ریزی کنند، برنامه و فرستاده شده از سوی خداوند یعنی اسلام را نیز
نمی‌پذیرند.

۳- تمدن مادی کنونی؛ این تمدن «با طبیعت انسان ناسازگار و نسبت به ویژگیهای
انسانی او بی‌اعتناست».

۴- بی‌اعتنایی به صفات ویژه انسان؛ در عصر تمدن مادی، ملتها نیز به صفات ویژه
انسانی توجه ندارند و در عوض «کوشیده‌اند روش ماشینی و حیوانی را بر زندگی
انسان تطبیق دهند».

از نظر سید قطب دو عامل عمده نیز علت اصلی عقب ماندگی جوامع اسلامی
می‌باشد. اول اینکه «اجتماع اسلامی عصر ما به هیچ وجه اسلامی نیست». از نظر وی
«در اجتماع فعلی ما با آنچه خدا نازل کرده حکومت نمی‌کنیم». دوم اینکه «اجتماع

اسلامی تا روزی که به اسلام تمسک کرده بود، ضعیف نگردید و از کاروان بشریت

عقب نماند، بلکه هنگامی ناتوان گشته و عقب ماند که از اسلام دور شد.» (۳۳)

در این میان استعمار اروپا و به تعبیر سید قطب «جهان آزاد» (۳۴) نیز در عقب

ماندگی جوامع مسلمانان بی تأثیر نبوده است. از نظر وی عناصر مخالف اسلام در

راستای پیاده کردن اهداف خود، اقدامات متعددی انجام داده است. اولین اقدام آنها این

بود که اسلام را در دایره عبادات و اعتقادات محدود کنند و از دخالت آن در شئون

مختلف زندگی جلوگیری کنند. اقدام بعدی آن بود که «اسلام را بکلی از هستی ساقط

کنند و آنرا از موقعیت عقیدتی نیز تنزل دهند و جای خالی عقاید اسلامی را با اوهام و

تصورات باطل که ساخته و پرداخته افکار ناقص بشر است پر کنند و این تصورات

واهی و بی اساس را ایدئولوژی و عقیده نام نهند.» به موازات این اقدامات نیز،

استعمارگران جنبشها اسلامی را با ضربات وحشیانه‌ای از بین بردند. (۳۵)

اما دلایل مخالفت غرب با اسلام چیست؟ چرا هنوز هم روح تعصب آمیز ضد

اسلامی تا این حد در دل اروپائیان باقی مانده است؟ از نظر سید قطب این موضوع دو

دلیل عمده می تواند داشته باشد. اولاً فسادی که اروپائیان در جنگهای صلیبی بوجود

آوردند، تنها ادوات نظامی نبود «بلکه قبل از هر چیز و در مقدمه هر چیز فساد فرهنگی

بود.» در این دوره رهبرانی در اروپا حکومت می کردند که «درباره تعلیمات اسلامی و

نمونه‌های عالی اخلاقی آن در میان توده مردم غرب سمپاشی کرده‌اند و از اینجا بود که

در میان اروپائیان این عقیده مضحک پیدا شد که اسلام یک دین شهوانی و زور حیوانی

بوده و به یک سلسله فرضیه‌های خیالی تکیه کرده و هیچ گونه تزیین و پاکی قلبی در آن وجود ندارد.» چنین برداشتهایی باعث شد تا جنگهای اندلس بوقوع بپیوندد، در نتیجه دوران درخشان اسلامی در اسپانیا ریشه کن شد. اما اتفاق سومی که منجر به قطع رابطه جهان غرب و اسلام شد، سقوط قسطنطنیه به دست ترکها بود. این اتفاق باعث شد تا دشمنی اروپا با اسلام علاوه بر بعد فرهنگی، اهمیت سیاسی نیز پیدا کند و این خود بر شدت این دشمنی افزود. (۳۶)

دومین عامل عمده از نظر سید قطب این بود که «استعمار غرب نمی‌توانست فراموش کند که روح اسلامی به مثابه سد مقاومت در برابر گسترش استعمار است و چاره‌ای جز نابودی این سد- یا لاقفل تکان دادن آن- وجود ندارد. اسلام به تجهیز قوا دستور می‌دهد و به مقاومت ترغیب می‌کند و کسانی را که تسلیم می‌شوند، یا پاداشی می‌گیرند و ساکت می‌نشینند، به عاقبت بد و نکبت در دنیا و آخرت تهدید می‌کند. در واقع دین نیروی روحی و دعوت به نیروی مادی است. دین صخره مقاومت و دعوت به مقاومت شدید است. پس استعمار غربی چاره‌ای جز دشمنی بود با آن ندارد پس عامل حقیقی و اساسی دشمنی غرب با اسلام» روح صلیبی است که در خون غریبه‌ها جریان دارد و در ضمیر ناخودآگاه آنان جولان می‌دهد». (۳۶)

۲-۲- حاکمیت و عبودیت

در راستای کم اهمیت جلوه دادن ایده آلهای ناسیونالیستها، قطب بر روی دو مفهومی که پیشتر توسط مودودی ابداع شده بودند، تأکید کرد: حاکمیت و عبودیت.

(۳۸) ایده حاکمیت مودودی بر این عقیده است که حاکم مطلق و نهایی همه موجودات خداوند ندارند. می باشد. طبق این حاکمیت بندگان هیچگونه حقی برای سؤال کردن و سرپیچی از دستورات خداوند خداوند مالک و ناظر همه چیز در جهان است. (۳۹) از دیدگاه مودودی «حاکمیت به هر معنی که تصور شود مخصوص پروردگار است حاکم حقیقی و واقعی اوست و اصولاً حکومت جز برای او شایسته نیست.» (۴۰)

از نظر مودودی «ریشه پلیدی در جهان تسلط انسان بر انسان است چه به صورت مستقیم و چه بصورت غیر مستقیم . . . وقتی الوهیت و ربوبیت انسان بر انسان مقرر و محرز می شود، استثمار و نابرابری مفرط و غیرقانونی به نهایت درجه حاکم می گردد و در پی آن روح انسانی به ناچار از آزادی طبیعی خود محروم می ماند و قلب و روح و استعدادها و شایستگی های ذاتی او تابع چنین محدودیت های آزار دهنده ای می گردد و سبب عقیم ماندن رشد و تکامل وی می گردد.» از نظر وی «تنها را نجات از این بیماری وحشتناک انکار همه خدایان دروغین (انسان، حزب، سازمان و . . .) و شناختن خداوند به عنوان تنها الله و رب و قادر متعال می باشد.» (۴۱)

بر همین اساس مودودی نوع خاصی از حکومت را برای جامعه اسلامی طرح ریزی می کند که آنرا تئودموکراسی (Theo- Democracy) یا حکومت دموکراتیک الهی می نامد.

حکومت خدائی مختص طبقه خاص و کاهن و مشایخ (برخلاف

تئوکراسی اروپائی) نیست بلکه در اختیار تمام مسلمان است و همه آنها به حکم

کتاب خدا و سنت پیامبر در تمام امور و شئون مداخله و مباشرت دارند . . . در این حکومت برای تمام مسلمانان در دائره محدود به حدود پروردگار توانا حق اقتدار شناخته شده است و قوه مجریه با رأی مسلمانان انتخاب می شود و از طرف آنان عزل می گردد و در پیش آمدهای اجتماعی اگر حکم روشن شرعی به آن دیده نشود با رأی جمع مسلمین قطع و فصل می گردد. (۴۲)

بنابراین طبق نظر مودودی دولت اسلامی سه ویژگی اصلی داد که وی آنها را از آیات قرآن استنباط کرده است. اولاً «هیچ فرد یا خاندان یا طبقه یا حزب یا سایر طبقات در دولت هیچگونه حق حاکمیت ندارند، چرا که حاکم حقیقی فقط خداست.» ثانیاً هیچ کس جز خدا حق ندارد هر چند که پیشینیان یکدیگر باشند در امر تشریح دعامتی کند.» و ثالثاً دولت اسلامی فقط باید بر اساس مشروعات و قوانینی که از جانب پروردگار نازل شده، تأسیس شود.» (۴۳)

تفاوت دیدگاه قطب راجع به حاکمیت با مودودی تنها در تأکیدی است که قطب بر روی ایده حاکمیت دارد. از دیدگاه وی حاکمیت الهی به حدی گسترده است که حاکمیت همه بشریت و قدرتها را در برمی گیرد. حاکمیت غیرالهی طاغوت می باشد، که غیر مشروع، غیرمذهبی و استبدادی است. (۴۳) از نظر قطب حاکمیت قبل از شریعت قرار دارد. وی با استناد به آیه ۱۶۴ سوره آل عمران خاطر نشان می کند که در اسلام نبرد برای اصلاح مفسد اجتماعی و اخلاقی بعد از نبرد برای استقرار حاکمیت اسلام قرار دارد. به دیگر سخن، بعد از استقرار حاکمیت اسلام، همه مفسد اجتماعی و اخلاقی خواهند شد. در واقع عمل به شریعت تنها در سایه استقرار

حاکمیت اسلام میسر خواهد شد و حاکمیت در اسلام مختص خداوند است. ترجیح

این عقیده در اندیشه سید قطب این است که هیچ گونه زندگی اسلامی بدون اعتقاد به

حاکمیت خداوند امکانپذیر نیست. (۴۵)

سید قطب جهان بینی اسلامی را بر دو پایه استوار می داند:

الوهیت و عبودیت. الوهیت خاص «الله» است و عبودیت که موجودیت

ماوراء ذات او در آن مشترکند. خدای تعالی در صفات و ویژگی های خداوندی

یکتاست و بندگان، همان گونه که در بندگی مشترک و یکسانند، همانطور از

خواص الوهیت مبرا و برهنه اند. . . . الوهیت، خاص الله تعالی است و عبودیت از

آن هر آنچه جز اوست و برقراری رابطه ی خلق و خالق بر اساس عبودیت است و

بس، نه رابطه ای بر اساس نسبت و پیوند نسبت و نه مشارکت و مشابهت در ذات

یا صفات یا مختصات وی. (۴۶)

از نظر سید قطب یکی از جنبه های دین اسلام عملی بودن آن است. بدین معنی

که باید در تمام جوانب زندگی انسان به کار گرفته شود. قوانین آن نیز تنها در

جامعه ای به مورد اجرا درخواهد آمد که حاکمیت خداوند را پذیرفته باشد. اسلام یک

تئوری سیاسی نیست، بلکه راه و روش زندگی می باشد. بنابراین اولین شرط برای

ایجاد جامعه ای اسلامی این است که اعضای آن به «لا اله الا الله» اعتقاد داشته و تنها از

خداوند اطاعات کنند و قانونی را بپذیرند که طبق شریعت الله بنا شده باشد. تنها در

چنین صورتی است که اسلام می تواند مشکلات بوجود آمده را حل کند. اما اگر

بخواهیم اسلام را تنها در قالب یک تئوری ارائه دهیم، در واقع آن از یک روش و

دیدگاه الهی به یک راه و روش ساخته دست بشر (man-made) تقلیل داده‌ایم و این در حالی است که چنین روشی نمی‌تواند از آنچه که خداوند ساخته است، برتر باشد.

(۴۷)

سید قطب در فصل پنجم از کتاب «معالم فی الطریق» تحت عنوان «لا اله الا الله»: «تنها روش زندگی در اسلام»، اعتقاد به پرستش بی‌چون و چرای خداوند و اطاعات از فرامین وی را تنها روش زندگی دانسته و اعلام می‌دارد که جامعه‌ای اسلامی خواهد بود که همه قوانین شریعت را اجرا کند. به عبارت دیگر ویژگی متمایز کننده جامعه اسلامی با سایر جوامع در این است که تنها بر پایه پرستش خداوند بنا شده است. در واقع «لا اله الا الله» تنها روشی است که اولین گروه مسلمانان بر پایه آن بوجود آمد و در ادامه با تکیه بر آن توانست جامعه اسلامی بوجود آورد و با جامعه جاهلی به مقابله بپردازد. (۴۸) از این رو قطب تعریفی تازه از دارالاسلام و دارالحرب ارائه می‌دهد که تا آن زمان سابقه نداشته است؛ به نظر وی تنها یک مکان بر روی زمین وجود دارد که می‌توان آن را سرزمین اسلام یا دارالاسلام نامید. این سرزمین جایی است که دولت اسلامی استقرار یافته و شریعت اسلامی حاکم باشد. بقیه جهان دارالحرب خواهد بود. مسلمانان نیز تنها در دو صورت می‌توانند با دارالحرب رابطه داشته باشند؛ یا معاهده صلح برقرار کنند و یا اینکه بجنگند. (۴۹)

از دیدگاه سید قطب اسلام نمی‌تواند همزمان با نظام جاهلی به موجودیت خود در دنیا ادامه دهد و حتی نمی‌تواند با چنین نظامی در یک سرزمین مشترک همزیستی

مسالمت آمیز داشته باشد. این امر در طول تاریخ اسلام سابقه نداشته است. بنابراین یا باید اسلام بماند و یا جاهلیت؛ امکان ندارد که جامعه‌ای نیمه اسلامی و نیمه جاهلی متصور شد. اگر چیزی حقیقت نداشته باشد، پس دروغ است. ترکیب و همزیستی حقیقت و دروغ نیز امکان پذیر نیست و نمی‌توان حقیقت را تقسیم کرد. وی با توجه به آیه های متعددی از قرآن کریم (۵۰) نتیجه می‌گیرد که تنها دو روش برای زندگی بشریت وجود دارد و روش سومی در کار نیست؛ جامعه‌ای اسلامی و مطیع خداوند و پیامبر او و جامعه جاهلی. (۵۱)

با توجه به اندیشه‌های سید قطب در مورد حاکمیت خداوند به نظر می‌رسد که «پدید آمدن جامعه اسلامی، یک ضرورت انسانی و فطری و غیرقابل تخلف است که امروز یا فردا و اینجا یا آنجا، بالأخره انجام خواهد گرفت. . . انجام می‌گیرد تا از «نابودی انسان بوسیله‌ی نابودی ویژگی‌های او» جلوگیری کند و زندگی انسان را که فقط در صورت وجود داشتن انسان و پرورش صفات ویژه‌ای، قابل وجود است، از فنا و نابودی مصون بدارد.» (۵۲) اما جامعه اسلامی و ایدئولوژی اسلامی چه ویژگی‌هایی دارند که سید قطب برای استقرار و تشکیل آنها پافشاری می‌کند؟

سید قطب با جامع الاطراف خواندن طرز فکر اسلامی (۵۳) آینده را در قلمرو اسلام می‌داند:

تردیدی نیست که آینده در قلمرو اسلام خواهد بود. . . برنامه کامل و همه جانبه اسلام و نیاز بشر به این برنامه خود بزرگترین گواه ابدیت این آیین و حاکمیت مطلق آن در روزگار آینده است. بدون تردید اسلام در آینده رسالتی

بزرگ بر عهده دارد، رسالتی که هیچ عقیده و هیچ برنامه دیگری قادر بر ادای آن نیست و فقط اسلام است که از جانب پروردگار نامزد برگزاری آن می باشد. بنابراین بشر نمی تواند روزگار درازی خود را از اسلام بی نیاز بداند و نسبت به آن بی اعتنا بماند. این حقیقت روشن و غیرقابل انکار بیش از این نیازمند تکرار و تأکید نیست. (۵۳)

سید قطب معتقد است که نظام اجتماعی در اسلام، تنها نظامی است که «بر پایه اندیشه جهانی - به مفهوم واقعی کلمه - قرار دارد.» چرا که نظام اسلامی تنها نظام موجود در جهان است که اقوام مختلف را در هر رنگ و زبانی می تواند در خود بپذیرد. در این نظام حاکمیت مختص هیچ کس نیست. جز خداوند و «از همین جاست که در همچو نظام و جامعه ای مساوات واقعی تحقق می یابد و عملی می گردد.» (۵۵) به عبارت دیگر جامعه اسلامی تنها جامعه ای است که زندگی همه افراد را از هر طبقه ای که باشند تضمین کرده است. (۵۶)

سید قطب اسلام را تنها «ایدئولوژی جهانی» می داند که «طرز فکر جهانشمولی درباره هستی و زندگی انسان» ارائه کرده است. این ایدئولوژی «تکامل و تعادل اجتماعی را در محیط انسانی، به جای جنگ و نزاع و بر سر هم کوبیدن برقرار می کند و برای زندگی طرز فکری غیر مادی پی ریزی می کند که زندگی را با خالق آن همبسته و پیوسته می سازد. در سایه آن در سراسر زمین برنامه آن را اجرا می کند و زندگی را در یافتن هدفهای مادی محض پایان نمی دهد، و رو اینکه کوششهای مادی ثمربخش، خود عبادتی از عبادتهای اسلام است.» (۵۷)

ضرورت شناخت ایدئولوژی اسلامی و ویژگیهای آن و گزینش یک جهان‌بینی جامع

در چهار مورد خلاصه می‌شود:

نخست آنکه هر فرد مسلمان ناگزیر باید یک جهان‌بینی داشته باشد تا بر

اساس آن با جهان هستی روبرو شود. . . دوم آنکه هر فرد مسلمان بایستی

موقعیت انسان و فلسفه‌ی هستی او را در این جهان بداند و بشناسد. . . ؛ دوم آنکه

در سایه‌ی چنین شناختی انسان خط مشی آینده و نوع نظامی که آئین زندگی او را

می‌سازد، در می‌یابد. . . ؛ چهارم آنکه اسلام از برای آن آمده است که ملتی با رنگ

و نشان خاص و منحصر به فرد و در عین حال ملتی پیشوای بشریت و بنیانگذار

آئین و شیوه‌ی خداوندی بر روی زمین و نجات بخش انسان از رهبرها و راهها و

مکتبهای گمراهی که او را رنج می‌دهد، بسازد. (۵۸)

با توجه به دلایل ذکر شده هفت ویژگی منحصر به فرد ایدئولوژی اسلامی از

دیدگاه سید قطب را بطور اجمال ذکر می‌کنیم. اولین ویژگی منحصر به فرد ایدئولوژی

اسلامی «ربانی بودن» است یعنی اینکه «با تمام خواص و ارکان خود از جانب خدا

آمده است.» (۵۹) دومین خصوصیت ایدئولوژی اسلام «ثابت بودن» آن است. این

خصوصیت باعث می‌شود که زندگی بشر را تحت نظام درآورد (۶۰) سومین ویژگی به

«کلی و همگانی بودن» آن مربوط می‌شود. (۶۱) خصوصیت چهارم «در هماهنگی و

تعادل و توازن آنست؛ هماهنگی در زیر بنای خود و در اشارات و الهامات خود».

(۶۲) پنجمین ویژگی برجسته جهان‌بینی و ایدئولوژی اسلام از نظر سید قطب

«عملگرا بودن» (مثبت و مولد بودن) آن است. (۶۳) ششمین خصوصیت نیز

«واقع گرایی» آن است. در این جهان بینی با حقایق خارجی سر و کار دارد که دارای وجودی حقیقی و اثری مثبت و واقعی هستند. (۶۴) هفتمین و آخرین ویژگی ایدئولوژی اسلامی «یکتاگرایی» (توحید) می باشد که تکیه گاه اصلی اسلام نیز است. (۶۵)

از نظر سید قطب راه رسیدن به پیروزی که همان سیطره اسلام است، آسان نمی باشد:

حتمی بودن ولادت؛ هرگز به معنای نبودن درد زایمان نیست! راه بسوی یک جامعه اسلامی، راهی بس دراز و دشوار و انباشته از خار دامنگیر است. . . و دشوارترین مسأله در این راه عبارت است از: همسطح ساختن دریافتها، اندیشهها، اخلاق، روش و بالأخره واقعیت این زندگی آمیخته به تمدن مادی با ملکیت اسلام، و با اینهمه، بالأخره این یک ضرورت انسانی و فطری است، واقعیتی است که ناگزیر باید قدم به عرصه وجود نهد و ولادت یابد. . . این ولادت، مستلزم زایمان است و زایمان هرگز بدون رنج و ناراحتی نیست. (۶۶)

۲-۳- جماعت

سید قطب راه حل مشکل ایجاد شده در جوامع کنونی را حاکمیت خداوند و پیاده شدن شریعت و به عبارت دیگر بازگشت به اسلام می داند. به نظر وی تنها اسلام است که راه نجات را به ممالک اسلامی نشان می دهد چرا که «این دین . . . عملی تر از هر مسلک دیگری است که بخواهیم بنام شرکت در تمدن بشری آنرا انتخاب کنیم.» (۶۷) بنابراین «باید در پی وصل آنچه از قوانین قطع شده برآییم و به دنبال آنچه مایه

اجتماعات پیشین بوده، برویم و شایستگی این دین را برای به پا داشتن اجتماعی جدید

بفهمیم.» (۶۸)

سید قطب وضعیت امروزی بشریت را اسفناک دانسته و معتقد است که «در
لبه پرتگاه قرار گرفته است زیرا نه تنها بالای سرش، خطر نابودی او را تهدید می کند
(چون این مسئله نشانه شیطان است و نه خود آن)، بلکه به این خاطر که در قلمرو
ارزشهایی که می توانست در پرتو آن زندگی کند و پیشرفت هماهنگ داشته باشد دچار
ورشکستگی شده است.» از نظر وی هم ایدئولوژی غرب و هم ایدئولوژی شرق یعنی
«ایدئولوژیهای فردگرا و جمع گرا، هر دو شکست خورده اند. اکنون در بحرانی ترین
دورانها و به هنگامی که آشوب و بردگی حاکم است، نوبت اسلام فرا رسیده و فرصتی
برای امت اسلامی است که نقش خود را ایفا کند . . . عصر اسلام است، اسلامی که
اختراعات مادی این جهان را رد نمی کند بلکه آنرا اولین وظیفه بشر می داند، زیرا
خداوند انسان را خلیفه خود در جهان قرار داده، تا - تحت بعضی شرایط - به عبادت
خداوند بپردازد و اهداف انسانی را تحقق بخشد.» (۶۹)

از نظر سید قطب علت تشکیل نشدن جامعه اسلامی عدم پذیرش مکتب اسلام
بعنوان برنامه زندگی است. (۷۰) در واقع اگر اسلام بخواهد نجات بخش باشد باید
حکومت کند. (۷۱) بازگشت به اسلام نتایج مهمی نیز در پی خواهد داشت: «برگشت
به سوی اسلام به ما فقط تحقق یافتن عدالت اجتماعی را در زندگی نمی بخشد. روش
اسلام تنها بازگردانیدن امنیت و اطمینان و توکل نیست، بلکه همراه عدالت اجتماعی

داخلی، در خارج از سرزمینهای خود نیز، شخصیت، پرستیژ و عظمتی به ما می‌دهد و ارزش و مقامی خاص نیز در اجتماعات بین‌المللی به ما می‌بخشد.» (۷۲) هدف اسلام نابودی همهٔ جوامع جاهلی است:

اسلام با قاطعیت و صراحت ویژه خود مرز میان اجتماع اسلامی و اجتماع جاهلی را مشخص می‌کند. مردمی که در سایهٔ نظام اسلامی زندگی می‌کنند و برنامهٔ اسلامی را که از آن طرز فکر عالی الهام می‌گیرد، بی‌کم و کاست به کار می‌بندد، مسلمانند و دیگران پیرو هر مکتبی و گزارندهٔ هر برنامهٔ دیگر آلودهٔ بت‌پرستی و گرفتار جاهلیت اند، همان جاهلیتی که اسلام برای در هم کوبیدن و ویران کردن اساس آن در جهان طلوع کرد. (۷۳)

اما چگونه و با استفاده از چه وسیله‌ای می‌توان به اسلام بازگشت؟ راه حل مشکل چیست؟ سید قطب معتقد بود که خیزش اسلامی میسر نمی‌شود مگر با استفاده از «جماعت اند» «امور جنبشی» یا «گروه مؤمن» یا «نسل قرآنی یگانه» و یا «گروه پیشتازی» که به نسل نخست صحابه تأسی کنند، نسلی که تنها از سرچشمه سیراب شده و در تاریخ شأنی یگانه دارد. (۷۴) به نظر وی «باید پیشتازی پیدا شود تا در گرماگرم جاهلیت کنونی حاکم بر کل زمین، بپاخیزد. پیشتاز باید توان تصمیم‌گیری داشته باشد که چه زمان از جامعهٔ جاهلی پیرامون خویش کنار بگیرد و چه هنگام با آن تماس برقرار کند» (۷۵)

مودودی و سید قطب نیز همانند اغلب تئورسین‌های اسلامی در مورد انقلاب، نحوهٔ گسترش اسلام، شیوهٔ عملکرد پیامبر اسلام را بعنوان روش رسیدن به این هدف

بازگو می کنند. در ابتدای راه این عمل باید مخفیانه صورت گرفته و صرفاً به دعوت اکتفا شود؛ در مرحله بعدی گروه کوچکی سازماندهی شود که هیچ هدف سیاسی نداشته باشد. این گروه باید از غیر مؤمنین جدا شده و از آنها فاصله بگیرد. منتها این جدایی لزوماً فیزیکی نمی باشد، بلکه در حین زندگی در این جوامع باید از نظر روحی از آنها جدا شد، در مرحله سوم این گروه به تبلیغات گسترده و جمع آوری طرفدار پردازد و در نهایت از نیروی نظامی استفاده کند، (جهاد) (۷۶)

پس از رها شدن از قید از خود بیگانگی ناشی از جامعه جاهلی و الهام گرفتن از قرآن. پیشتاز آماده دست زدن به عمل خواهد شد:

ما باید به قرآن برگردیم، آنرا به کار برده و تعالیمش را به مرحله عمل درآوریم . . . تا آنچه را از ما می خواهد، درک کنیم و کوتاه سخن، بودن را بیاموزیم! . . . سپس نفوذ و تأثیر جاهلیت را از روح خود بزدایم و آنرا در شیوه تفکر، قضاوت و رسوم خود دور کنیم. نخستین وظیفه ما ایجاد تحول در جامعه و تغییر دادن واقعیت جاهلی از رأس تا پایه است. . . برای آغاز کار، باید از دست جامعه جاهلی خلاص شویم، ارزشها و ایدئولوژی آن را رها کنیم. نباید ارزشها و ایدئولوژی خود را برای نزدیکتر کردن آنها به جامعه، حتی ذره ای تضعیف نماییم! روشها و راه ما با آن فرق دارد، حتی اگر تنها یک گام به طرف آن برداریم، عقایدمان از بین خواهد رفت و نابود خواهیم شد. (۷۷)

سید قطب فرایند گذار از جاهلیت به اسلام را این چنین تشریح می کند:

انسان به این عقیده که از یک منبع پنهانی ناشی می شود و تنها از قدرت خداوند روح می گیرد، ایمان دارد. موجودیت واقعی جامعه اسلامی با ایمان این

انسان آغاز می‌شود. . . اما این انسان، تنها الهام نمی‌گیرد تا آنرا صرفاً برای خود بکار ببرد، بلکه روح آنرا نیز به مورد اجرا می‌گذارد: این امت ماهیت این عقیده . . . قدرت عظیمی که آن را به این روح منتقل کرده، [را می‌شناسد و] مسلماً می‌داند که بیشتر از آن نیز انجام خواهد شد، . . . هنگامی که سه نفر فرد مؤمن ایمان و عقیده پیدا کنند، این شعار بر ایشان مفهوم پیدا می‌کند: اکنون شما یک جامعه اسلامی مستقل جدای از جامعه جاهلی هستید، که به این آئین ایمان ندارد. . . از آن لحظه جامعه اسلامی در عمل موجودیت پیدا می‌کند. یک نفر ده نفر، ده نفر صد نفر، [صد نفر] هزار نفر و هزار نفر بیست هزار نفر می‌شود . . . و بدین ترتیب جامعه اسلامی ظهور می‌کند و ریشه می‌گیرد. در ضمن، میان این جامعه تازه تولد یافته که جدایی خود از جامعه جاهلی را اعلام کرده است و جامعه جاهلی که کسی نمی‌تواند از آن کناره‌گیری کند. . . مبارزه دایمی است و جهاد تا روز قیامت به طول می‌انجامد. (۷۸)

از نظر تحلیلی، دو مرحله را می‌توان از تولد پیشتاز تا استقرار جامعه اسلامی، تصور کرد؛ مرحله اول بلوغ معنوی است که هدفش آزاد کردن فرد مسلمان از قید از خود بیگانگی جاهلی است. این مرحله تنها در سطح نظری نخواهد بود، بلکه دریافتی می‌باشد برای اجرا و عمل. سید قطب این مرحله را به دوره حضور پیامبر در مکه تشبیه می‌کند «دوره سازندگی زیربنایی عقیده و جماعت و جنبش و وجود بالفعل.» مرحله دوم نبرد بر علیه جامعه جاهلی است دوره سکونت پیامبر در مدینه در این مرحله جای می‌گیرد. در این مرحله بر مسلمانان واجب است که برای جهاد قیام کنند.

در واقع مفهوم جهاد تمامی این جریان را از تلاش فردی گرفته تا تفکر درباره قرآن و مبارزه مسلحانه را در برمی گیرد. (۷۹)

«جهاد» یکی دیگر از واژه‌هایی است که مودودی و قطب به کار برده‌اند و رابطه نزدیکی با جاهلیت دارد. مسئله اصلی مورد بحث مودودی و قطب این است که جهاد فقط دفاعی نمی‌باشد. این مشکل از آنجا ناشی می‌شود که بسیاری از مخالفان اسلام سعی دارند تا چهره‌ای وحشی از اسلام نشان دهند که برای به اسلام آوردن غیرمسلمان از اجبار و زور استفاده می‌کند. از نقطه نظر مودودی این تفسیر نادرست است و اسلام از خشونت استفاده نمی‌کند. جهاد تنها بر علیه حکومت‌ها و یا حاکمانی استفاده می‌شود که از تبلیغ اسلام جلوگیری می‌کند، چرا که در زمان پیامبر نیز بعد از اینکه حاکمان ایران و روم از تبلیغ دین اسلام جلوگیری کردند، مورد حمله قرار گرفتند. در نتیجه هدف جهاد از نظر مودودی به دست آوردن آزادی تبلیغ مذهبی می‌باشد. مودودی و قطب بر این باور هستند که هیچ حکومت غیرمسلمان اجازه گفتگوی آزاد با مردمش را درباره اسلام نمی‌دهد. در نتیجه جهاد مبارزه‌ای بر علیه جاهلیت است و تا زمانی که همه دولت‌ها در جاهلیت به سر می‌برند و حاکمیت غیراسلامی را پذیرفته‌اند، جهاد ادامه خواهد داشت. (۸۰)

در آخر سید قطب بر این باور است که پیروزی نهائی با اسلام است:

نه مسأله را سبک می‌شماریم و نه معرکه را بی‌خطر . . . ولی نتیجه را حتمی و تضمین شده می‌دانیم . . . همه چیز، مؤید این حقیقت است. . . همه چیز حقیقی و فطری و همه چیز در طبیعت جهان و در سرشت انسان . . . بسی

موانع و انبوهی از واقعیت‌های موجود در سر راه این «نتیجه حتمی» خودنمایی
میکنند . . . لیکن این همه جز خس و خاشاکی نیست. . . انبوه است آری. . .

ولی انبوه خس و خاشاک! (۸۱)

۳- تأثیر سید قطب

کتاب «معالم فی الطریق» سید قطب بعنوان شالوده‌ای برای جنبش‌های
اسلامگرای معاصر درآمده است. گروه‌های اسلامگرای سرتاسر دنیا، وی را بعنوان
اصلی‌ترین ایدئولوگ خود معرفی می‌کنند. شیخ کور عمر بن عبدالرحمن که هم اکنون
در زندان ایالات متحده به سر می‌برد، تأثیرگذارترین شخص بر اندیشه‌هایش را سید
قطب معرفی می‌کند. علاوه بر این تأثیر او بر ادبیات اسلامگرای معاصر نیز
چشمگیر است. آنها جهاد را بعنوان تنها راه پیش روی خود در نظر می‌گیرند. (۸۲)

تعداد زیادی از کتابهای سید قطب به زبانهای خارجی ترجمه شده‌اند. دفتر سازمان
دانشجویی فدراسیون بین‌المللی اسلامی (International Islamic Federation of
Student Organization) مستقر در کویت بسیاری از کتابهای او را به زبان انگلیسی
ترجمه کرده است. این ترجمه توسط اتحادیه دانشجویی مسلمانان (Association
Muslim Student) به ایالات متحده انتقال پیدا کرده و در آگاهی مسلمانان مقیم آن
کشور تأثیر بسزایی داشته است. علاوه بر این نوشته‌های او در میان اعضای هیئت
مسلمانان آمریکائی (American Muslim Mission) (که به مسلمانان سیاه Black
Muslim) مشهورند) نیز شناخته شده می‌باشد و آنها از نوشته‌های او در تبلیغ اسلام
استفاده‌های فراوانی کرده‌اند. (۸۳)

۱-۳- قطب و اسلامگرایی معاصر

به نظر ژیل کوپل سه نوع برداشت متفاوت از آراء سید قطب وجود دارد. مهمترین برداشت که رادیکالترین آنها نیز می باشد، تفسیر قطب از جاهلیت و تکفیر را به همه نقاط جهان و به همه انسانها تسری داده است؛ دومین برداشت، تفسیرهای او را تنها به حاکمان کشورهای اسلامی ارتباط می دهند؛ سومین برداشت، تفسیری نمادین است که اعتقاد دارد، تفسیر قطب از جاهلیت را تنها باید از نظر معنوی بررسی کرد و نه از نظر مادی، بیشتر پیروان این نحله فکری را کسانی تشکیل می دهند که در خارج از زندان زندگی می کردند و عضو اخوان المسلمین بودند. (۸۴) برداشت مورد نظر پژوهش حاضر، نوع اول می باشد.

نوشته های سید قطب سه کارکرد مهم برای جنبشهای اسلامگرای تندرو داشته است. اول اینکه نوشته های وی توجیحات فکری تمایلات ضد غرب گرایانه را هم در بعد فرهنگی و هم در بعد سیاسی فراهم کرد. دوم اینکه دلایل استقرار جامعه ای اسلامی طبق موازین شرعی را ارائه کرد. سومین کارکرد نوشته های سید قطب این بود که حقانیت سرنگون کردن همه دولتهای جهان و از جمله دولتهای اسلامی را با استفاده از جهاد سازماندهی کرد. (۸۵) در واقع بیشترین تأثیر بر دکترین خشونت زا در دنیای معاصر اسلام از آن سید قطب است. (۸۶)

نوشته های سید قطب در میان گروههای اسلامگرای مصری نیز گسترش ویژه ای داشته است. مشهورترین این گروهها تکفیروالحجیره می باشد که وزیر کشاورزی مصر

را در سال ۱۹۷۷ ترور کرد. شکری مصطفی رهبر این گروه که در سال ۱۹۶۵ دستگیر شد، یکی از رهبران فکری خود را سید قطب معرفی کرد. گروه بعدی جهاد اسلامی مصر بود که در سال ۱۹۸۱ انور سادات را ترور کرد. سومین گروه برجسته جماعت اسلامی می باشد که آشوبهای فراوانی را در دهه ۱۹۹۰ بوجود آورد. (۸۷)

در بین گروههای رادیکال فلسطینی نیز، قطب شخصیت برجسته ای می باشد که نمونه ای واقعی برای انقلاب اسلامی معرفی می کند. حماس، معروفترین گروه فلسطینی که در اساسنامه خود جاهلیت را به نقد کشیده است. رهبر معنوی حماس، شیخ احمد یاسین نیز یکی از کسانی است که دولت مصر در جریان دستگیری سید قطب در سال ۱۹۶۵ او را نیز دستگیر کرد. (۸۸)

۲-۳- قطب و القاعده

تأثیر قطب بر روی سازمان القاعده بطور آشکاری غیرقابل انکار می باشد. (۸۹)

اسامه بن لادن، تحت نظر محمد قطب، برادر سید قطب و دوست صمیمی وی عبدالله اعظم تحصیل کرده است. محمد قطب کتابهای برادرش را در عربستان سعودی ویراستاری و به چاپ رسانده است. این دو نفر فلسفه قطبی گرائی (Qutbian philosophy) را به شاگردان خود آموزش داده و آنها را به داشتن روحیه ای انقلابی تشویق می کردند. همانطور که سید قطب در کتاب «معالم فی الطریق» از پیشاهنگ تحت عنوان پیام آور اسلام در سراسر جهان یاد می کند، بن لادن نیز در اعلامیه ۱۹۹۶

خود، القاعده را بعنوان پیشاهنگ در نظر گرفته است. (۹۰) علاوه بر این دیدگاه ضد

یهودی اسامه بن لادن نیز متأثر از اندیشه‌های سید قطب بوده است. (۹۱)

ایمن الظواهری نیز که نفر دوم القاعده می‌باشد، در زمان شهادت سید قطب

دانش آموز بوده است. وی به شدت تحت تأثیر اعدام قطب قرار گرفته و بلافاصله بعد

از مرگ وی عضو گروه‌های نظامی می‌شود. بعد از ترور سادات در سال ۱۹۸۱

وی نیز یکی از اشخاصی بود که دستگیر شده و سه سال زندانی شد. (۹۲) ایمن

الظواهری در کتابی که در سال ۲۰۰۱ در روزنامه الشرق الاوسط به چاپ می‌رسید،

اعلام می‌دارد که گفته‌های سید قطب بیش از هر کس دیگری برای آنها آموزنده بوده

است، چرا که او بخاطر گفته‌هایش اعدام شد. به نظر وی «سید قطب ثابت کرد که

اتحاد در اسلام خیلی مهم است و نبرد بین اسلام و دشمنانش نسبت به اختلافات

داخلی در الویت قرار دارد. علاوه بر این مشخص نمود که هدف از مبارزه چیست؛

برای خداوند و شریعت است یا برای مادیات ساخته دست بشر، و یا برای کسانی که

ادعا می‌کنند بین خداوند و انسان قرار دارند. این افشاگریها کمک شایانی به جنبش

اسلامگرا نمود تا بتواند دشمنانش را شناسایی کند . . . سید قطب نمونه بارز کسی

است که طرفدار عدالت می‌باشد. او در روی ظالم درباره عدالت صحبت کرد و

جان خود را بعنوان بهای آن پرداخت کرد. ارزش کلمات او وقتی افزایش یافت که

معذرت خواهی از جمال عبدالناصر را رد کرد.» به زعم الظواهری برخلاف تصور رژیم

ناصر، اعدام سید قطب جنبش جهاد اسلامی جدیدی را در مصر و جهان اسلام

پایه گذاری کرد که الظواهری خود را جزو آن می داند. (۹۳)

۴- نتیجه گیری

با توجه به اندیشه های سید قطب و گروه های تندرو اسلامگرای معاصر بدون تردید این گروه ها تحت تأثیر وی قرار گرفته اند. در واقع کتاب «معالم فی الطریق» قطب بعنوان مافیستی برای گروه های اسلامگرا در آمد. در بین نویسندگان اسلامگرای قرن بیستم، سید قطب هم از جهت شمار تألیفات و هم از لحاظ عمق و گسترده تأثیر گذاری، جایگاهی ویژه دارد. شاید بتوان اعدام او را یکی از مهمترین دلایل رواج اندیشه اش قلمداد کرد. همانطور که پیش تر نیز ذکر شد، سازمانی که توسط بن لادن و الظواهری تأسیس شد، همانی است که ربع قرن قبل از آنها سید قطب از آن تحت عنوان «گروهی پیشتاز و فراملی» یاد کرد. نوشته های این دو نفر بطور آشکاری نشان می دهد که آنها به شاخه قطبی گرائی (Qutbian) در اسلامگرائی معاصر تعلق دارند.

پی نوشتها

1- Bassam Tibi, *The Challenge of Fundamentalism: Political Islam and the New World Order* (Berkeley: uc Press, 1990) p.92.

2- Gilles Kepel, *Jihad: The Trail of Political Islam* (Massachusetts: Harvard University Press, 2002) p.27.

3- John L. Esposito, *Unholy War, Terror in the Name of Islam* (Oxford University Press, 2002) pp.8, 56,111; and: John Esposito, *The Islamic Threat: Myth or Reality* (New York: Oxford University Press, 1992) p.126.

4- Roxanne L. Euben, *Enemy in the Mirror: Islamic Fundamentalism and the Limits of Modern Rationalism* (Princeton: Princeton University Press, 1999) p.54.

۵- برای بررسی جامع اندیشه مودودی به منبع زیر مراجعه شود:

Charles J. Adams, "Mawdudi and the Islamic State", in: *Voices of Resurgent Islam*, Edited by John. Esposito (Oxford University Press, 1389) pp.99-133.

۶- ژیل کوپل، پیامبر و فرعون: جنبشهای نوین اسلامی در مصر، ترجمه حمید احمدی

چاپ دوم (تهران: کیهان، ۱۳۷۵)، ص، ۳۹-۳۶.

7- Yvonne Y. Haddad, "Sayyid Qutb Ideologue of Islamic Revival", p.73,

in: *Voices of Resurgent Islam*, Edited by John L. Esposito, pp.67-98

(Oxford University Press, 1983).

۸- کوپل، پیشین، صص، ۴۰ - ۴۰.

9- Kepel, op. Cit, pp.23-24.

10- Yoram Schweitzer and Shaul shay, the Galobalization of Terror:

The challenge of Al- Qaeda and the Response of the International

Community (New Brunswick (USA) and London: Transaction publishers,

2003) p.16 and: Esposito, *unholy war, Terror in the Name of Islam*, op.

Cit, pp.58-9;

Johannes J.G. Jansen, *The Dual Nature of Islamic Fundamentalism.*)

Ithaca, Ny: cornell University Press, 1997).

برای بررسی بیشتر در مورد تأثیر ابن تیمیه بر روی افراط‌گرایی انقلابی مدرن به منبع

زیر مراجعه کنید:

۱۳- علی اصغر حلبی، تاریخ نهضت‌های دینی سیاسی معاصر، چاپ اول (تهران زوار،

Kepel, op.cit pp.34-35.

(۱۳۸۲) صص، ۲۸۴-۲۱؛ و نیز :

14- John Coray, *Al-Qaeda and what It Means to Be Modern* (New York and London: the New Press, 2003) pp.22-23; Hadad , op cit, pp. 70,85,89.

15- Leonard Binder, *Islamic Liberalism: A Critique of Development Ideologies* (The University of chicago press, 1988) p.179.

16- I bid, p. 175.

17- Kepel, op. Cit, p. 25; Schweitzer and Shay, op. Cit, p.15; and see:

Ladan Boroumand and Roya Boroumand, "Terror, Islam and Democracy", *Journal of Democracy*, V.13, No.2 pp.5-20 (April 2002)p.8.

18- John C. Zimmerman, "Sayyid Qutb's Influence on the 11 September Attacks" *Terrorism and political Violence*, Vol. 16, No.2 pp.222-152 (Summer 2002) p.224; and:

مجید مرادی، «تقریر گفتمان سید قطب»، علوم سیاسی، سال ششم، شماره ۲۱، صص ۱۹۵-۲۱۶ (بهار ۱۳۸۲) صص ۱۹۷-۱۹۸.

۱۹- برای بررسی جامع و کامل مفاهیم جاهلیت و حاکمیت در اندیشه سید قطب به دو منبع زیر مراجعه شود:

Sayed khatab, "Hakimiyyan and Johiliyyah in the thought of Sayyid Qutb", *Middle East Studies*, Vol. 38, No.3 pp. 145-170(July 2002).

William Shepard, "Sayyid Qutb's Doctrine of Jahiliyya", International
Journal of Middle East Studies, No. 35, pp. 521-545 (2003).

۲۰- آیه ۳۳ از سوره احزاب؛ آیه ۲۶ از سوره فتح؛ آیه ۵۰ از سوره مائده و آیه ۱۵۴ از
سوره عمران

21- shepard, op.cit, pp. 522-523.

۲۲- محمد قطب، جاهلیت در قرن بیستم

23- Binder, op. Cit, pp. 176-173; shepard, op.cit, pp.523-529.

۲۴- سید قطب، معالم فی الطريق (بیروت، قاهره: دارالشرق: ۱۹۸۰)، در: کوپل، پیشین؛ و

Sayed Qutb, *Milestones*, ch.5 available at: <http://www.Yongmuslims>.

Ca/online library/ milestones/ hold/.asp.

Qutb, *Ibid*, ch.5.

۲۵- قطب، همان، صص، ۹۸-۱۰۱؛ و

Shepard, op. Cit, p. 524

۲۶- به نقل از:

۲۷- سید قطب، آینه در قلمرو اسلام، ترجمه سید علی حسینی خامنه‌ای، چاپ دوم

(تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۶۹)، ص، ۲۳.

۲۸- کوپل، پیشین، ص ۵۱.

Qutb, *Milestones*, ch.4

۲۹- قطب، معالم، صص، ۱۱۶-۱۱۷؛ و

30- Schweitzer and Shay, op.cit, p.17.

31- Shepard, op.cit, pp.524-525.

۳۲- سید قطب، ادعا نامه‌ای علیه تمدن غرب و دورنمایی از رسالت اسلام، ترجمه

سید علی خامنه‌ای و سید هادی خامنه‌ای، چاپ دوم (مشهد: طوس، ۱۳۵۱) صص،

۲۸-۲۹ (این کتاب با مشخصات زیر نیز به چاپ رسیده است: سید قطب، فاجعه تمدن

و رسالت اسلام، ترجمه علی حجتی کرمانی، چاپ ششم (تهران: القبس و فرودس،

۱۳۶۵)؛ و نیز: سید قطب، مقابله اسلام با سرمایه‌داری، ترجمه دکتر سید محمد

رادمنش، چاپ چهارم (بی جا: بنیاد علوم اسلامی، آبان ۱۳۶۰) صص، ۱۶-۱۱.

۳۳- سید قطب، عدالت اجتماعی در اسلام، ترجمه محمد علی گرامی و سید هادی

خسرو شاهی، چاپ بیست و پنجم (تهران: کلبه شرق، ۱۳۷۹) صص، ۳۵۳-۳۵۲.

۳۴- از نظر سید قطب جهان آزاد شامل کشورهای انگلستان، فرانسه و آمریکا می‌باشد

که مدعی پیاده کردن آزادی هستند ولی «آزادانه آزادی را در هر کجا که بیاید نابود

می‌سازند. رجوع کنید به:

سید قطب، اسلام و مسائل روز، ترجمه محمد جعفر امامی شیرازی (قم: نسل جوان،

۱۳۵۳) صص، ۳۸۷-۳۸۶.

۳۵- قطب، آینده در قلمرو اسلام، صص، ۲۱-۱۸؛ قطب، عدالت اجتماعی در اسلام،

صص، ۳۶۳-۳۶۰.

۳۶- همان، صص، ۲۷۰-۲۶۷.

۳۸- مرادی، پیشین، ص ۱۹۹؛ و:

۴۰- ابوالاعلی مودودی، قانون اساسی در اسلام، ترجمه محمد علی گرامی (قم):

دارالفکر، (۱۳۵۱) ص، ۵۵.

۴۱- ابوالاعلی مودودی، تئوری سیاسی اسلام، ترجمه محمد مهدی حیدرپور (تهران):

بعثت، بی تا) صص، ۲۰-۲۲.

۴۲- ابوالاعلی مودودی، نظر سیاسی اسلام یا جمهوری اسلامی، ترجمه زین العابدین

زاخری (تبریز: این سینا، بهار ۱۳۵۸) ص، ۱۳؛ و: مودودی، تئوری سیاسی اسلام،

صص، ۲۸-۲۹.

۴۳- ابوالاعلی مودودی، سیستم سیاسی اسلام، ترجمه م.م بحری (تهران: رسالت قلم،

۱۳۶۱) ص، ۳۲؛ و، مودودی، تئوریهای سیاسی اسلام، ص ۲۷؛ و مودودی، نظر

سیاسی اسلام یا جمهوری اسلامی، ص، ۱۵.

44- Binder, opcit, p.176.

45- Khatab, op. Cit, p.154.

۴۶- سید قطب، ویژگیهای ایدئولوژی اسلام، ترجمه سید محمد خامنه‌ای (تهران):

بعثت، بی تا) ص، ۳۷۷.

۵۰- از جمله: آیه ۴۹ از سوره مائده؛ آیه ۱۵ از سوره شوری؛ آیه ۵۰ از سوره

الذاریات.

۵۲- قطب، ادعاینامه‌ای علیه تمدن غرب و دورنمایی از رسالت اسلام، ص، ۲۷.

۵۳- سید قطب، اسلام و صلح جهانی، ترجمه سید هادی خسرو شاهی، و زین)

(العابدین قربانی، چاپ چهارم (تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۶۸) صص، ۳۵-

۳۴

۵۴- قطب، آینده در قلمرو اسلام، ص ۱۳۶.

۵۵- سید قطب، ما چه می‌گوئیم؟، ترجمه سید هادی خسرو شاهی، چاپ بیست و

دوم (تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۸۲) صص، ۲۸-۲۹.

۵۶- قطب، اسلام و مسائل روز، ص، ۲۰۳.

۵۷- قطب، عدالت اجتماعی در اسلام، ص، ۴۲۸.

۵۸- قطب، ویژگیهای ایدئولوژی اسلامی، صص، ۵۲-۵۳.

۵۹- همان، ص، ۱۱۵.

۶۰- همان، صص، ۱۷۷-۱۷۰.

۶۱- همان، صص، ۲۰۴-۲۰۲.

۶۲- همان، صص، ۲۹۱-۲۴۲.

۶۳- همان، صص، ۳۱۷-۳۱۶.

۶۴- همان، ص، ۳۲۸.

۶۵- همان، ص، ۳۶۴.

۶۶- قطب، ادعاینامه‌ای علیه تمدن غرب، ص، ۳۱۷.

۶۷- همان، ص، ۲۸۹؛ و، قطب، مقابله اسلام با سرمایه داری، ص، ۳۳.

۶۸- قطب، عدالت اجتماعی در اسلام، ص، ۳۹.

۶۹- قطب، معالم، صص، ۷-۵؛ و Qutb, Mielstones, introdaction

۷۰- قطب، ادعا نامه ای علیه تمدن غرب، ص، ۳۲۱.

۷۱- قطب، مقابله اسلام با سرمایه داری، ص، ۵۳.

۷۲- قطب، عدالت اجتماعی در اسلام، ص، ۴۳۲.

۷۳- قطب، آینده در قلمرو اسلام، ص، ۲۵.

۷۴- کوپل، پیشین، صص ۵۴-۵۳؛ و، مرادی، پیشین، ص، ۲۴۰؛ و

Schweitzer and Shay, op.cit, p.17.

۷۵- قطب، معالم، ص، ۱۲؛ و Qutb, Milestones, introdaction.

۷۷- قطب، معالم، ص، ۲۲؛ و Qutb, Milestones, ch.1.

۷۸- قطب، معالم، ص، ۱۹۰-۱۸۹؛ قطب، آینده در قلمرو اسلام، صص، ۱۳۹-۱۳۷؛ و

Qutb, Milestones, ch.7.

۷۹- کوپل، پیشین، ص، ۵۵؛ مرادی، پیشین، ص، ۲۰۵.

80- Binder, op. Cit, p.181.

۸۱- قطب، ادعا نامه ای علیه تمدن غرب، ص، ۳۳۴.

منبع زیر بررسی دقیقی از تأثیر اندیشه های سید قطب بر روی جنبش های اسلامگرای

معاصر به عمل آمده است:

Pavid F. Forte, "Religion is not the enemy" the National Review, 19th
october, 2001

82- murr, op.cit

83- Haddad, op. Cit, p.68.

84- kepel, op. Cit, pp.30-31.

85- Zimmerman, op cit, p.223.

86- Robert Irwin, "Is this the man who in spired Bin Luden?"

The Guardian No.1, 2001.

87- Shopard, op cit, p. 535.

برای بررسی گروه‌های بنیادگرای معاصر در مصر به منبع زیر مراجعه شود:

Barry Rubin, Islamic Fundamentalism in Egyption Politics (New York:
palgrave Macmillan, 2002).

88- Zimmerman, op. Cit p.239.

89- Rjohan Gunaratna, Inside Al- Qaeda: Global Network of Terror
(London, New York: I.B. Tauris and co Ltd, 2002) pp. 100-101.

90- Zimmerman, op. Cit, p.240: Shepard, op. Cit, p.537; Gunaratna, op.
Cit, pp. 95-166.

برای بررسی بیشتر رجوع شود به:

Bin laden, " Declaration of war Against American Occupiynt the Land of
the Two Holy Places", (26,8,1996) wailable at:

جهت خرید فایل word به سایت www.kandoocn.com مراجعه کنید
یا با شماره های ۰۹۳۶۶۰۲۷۴۱۷ و ۰۹۳۶۶۴۰۶۸۵۷ و ۰۶۶۴۱۲۶۰-۵۱۱ تماس حاصل نمایید

<http://www.Azzam.Com/html/articlesdeclaration.htm>.

91- Zeidan, op. Cit, p.37.

92- Ibid, p. 32; and, Murr, op. Cit.

93- Aman Al- Zawahiri, *Knights Under the prophet's Banner*, Part 3.

Serialized in Al- Sharg al Awsat (London) 2- 10 December 2001, Trans,

Foreign Broad cast Information Service, document FBIS-NES-2001-

1202, maintained on- line by the Federation of American Scientists,

available at: <http://fas.org/irp/world/para/aymao-bk.html>.